

نقش تعامل و هم گرایی در ماندگاری نخبگان در افغانستان

The Role of Engagement and Convergence in the Retention of Elites in Afghanistan

محمد عمر مبارز^۱، شیدا جمشیدی^۲

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n37.2025

چکیده

حفظ و نگاه داشتن نخبگان در افغانستان یکی از اساسات مهم در راستای توسعه پایدار و تحقق پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. نخبگان به عنوان منابع انسانی، نقشی کلیدی در روند تغییر و تحول کشور دارند، اما عوامل مختلفی از جمله فساد، نابرابری های اجتماعی، بی ثباتی سیاسی و فقدان فرصت های شغلی مناسب، موجب مهاجرت و کاهش تعامل نخبگان با جامعه می شود. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی- استقرائی به بررسی نقش تعامل و هم گرایی در ماندگاری نخبگان در افغانستان پرداخته و به ارزیابی عوامل مؤثر بر حفاظت از آنان در درون کشور، می پردازد. نتایج نشان می دهند که وجود حکومت شفاف و پاسخگو، تقویت نظام آموزشی، تأمین عدالت اجتماعی، افزایش فرصت های شغلی، حفظ امنیت و قدردانی از نخبگان، به عنوان راهبردهای مؤثر برای حفظ نخبگان در کشور محسوب می شود. همچنان، بخاطر حفظ نخبگان و دست یابی به توسعه پایدار در کشور، نیاز به همکاری همه جانبه امارت اسلامی و نخبگان کشور دیده می شود.

واژگان کلیدی: نخبگان، تعامل، هم گرایی، عدالت اجتماعی، نظام آموزشی، فرصت های شغلی

^۱ دانشجوی دکتری فقه مقارن، جامعه المصطفی نمایندگی گلستان جمهوری اسلامی ایران، Mubarezomar9@gmail.com

^۲ دانشجوی ارشد حقوق خصوصی، جامعه المصطفی نمایندگی گلستان، jamshidishila29@gmail.com

مقدمه

افغانستان، به عنوان کشوری با تاریخ پرفرازونشیب و تنوع فرهنگی بی نظیر، همواره شاهد چالش های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده است. در این میان، نخبگان به عنوان نیروی محرک اصلی توسعه و پیشرفت، نقش حیاتی در شکل دهی آینده این کشور ایفا می کنند. آنان حاملان دانش، مهارت و اندیشه های سازنده هستند و می توانند جامعه را از بحران ها به سمت ثبات و از وابستگی به استقلال سوق دهند. با این حال، طی سال های متمادی، افغانستان شاهد مهاجرت گسترده نخبگان خود به دلیل مشکلاتی چون: جنگ، اشغال، تعصبات گوناگون، نبود عدالت اجتماعی، عدم استقرار سیاسی و فقدان فرصت های شغلی بوده است. پدیده فرار نخبه گان از کشور، نه تنها ضربه ای جدی به ظرفیت های علمی و اقتصادی کشور وارد کرده، بلکه به هویت ملی و آینده افغانستان نیز لطمه جدی، وارد نموده است.

الف- بیان مسئله

مهاجرت نخبگان از افغانستان که سابقه ای طولانی دارد، طی سال های اخیر، به یک مشکل جدی تبدیل شده است. این روند نه تنها باعث از دست رفتن سرمایه های انسانی ارزشمند شده، بلکه شکاف های اجتماعی و بی اعتمادی میان اقوام و گروه های مختلف را نیز تشدید کرده است. در چنین شرایطی، این سؤال مطرح می شود که چگونه می توان زمینه ماندگاری و شکوفایی بیشتر نخبگان در افغانستان را فراهم کرد؟ آیا تعامل و هم گرایی میان اقشار مختلف جامعه می تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای حل این مسئله عمل کند؟

ب- سوال تحقیق: تعامل و هم گرایی چه نقشی در ماندگاری نخبگان در افغانستان ایفا می کنند؟

ج- فرضیه تحقیق

1. به نظر می رسد تعامل سازنده میان اقشار مختلف جامعه می تواند به افزایش حس تعلق نخبگان به افغانستان و کاهش تمایل آنان به مهاجرت کمک کند. هم گرایی مبتنی بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه فرصت ها، زمینه ساز ماندگاری نخبگان در افغانستان است.

د- روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوای متون مرتبط انجام می شود. داده های مورد نیاز، از طریق مطالعه اسناد، مقالات علمی، گزارش ها و مصاحبه های تخصصی جمع آوری خواهند شد. همچنین، از روش تحلیل توصیفی-تحلیلی برای بررسی نقش تعامل و هم گرایی در ماندگاری نخبگان استفاده می شود. این تحقیق با رویکردی میان رشته ای، به بررسی ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسئله می پردازد.

ه- اهمیت و ضرورت تحقیق

نخبگان به عنوان سرمایه های انسانی هر جامعه، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف ملی و توسعه پایدار ایفا می کنند. در افغانستان، با توجه به تنوع قومی و فرهنگی، حفظ و ماندگاری نخبگان نه تنها به توسعه علمی و اقتصادی کمک می کند، بلکه می تواند به تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی نیز بیانجامد. بنابراین، بررسی نقش تعامل و هم گرایی در ماندگاری نخبگان از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که این مفاهیم می توانند به عنوان پایه ای برای ایجاد جامعه ای منسجم و عادلانه عمل کنند.

و-اهداف تحقیق

این تحقیق با هدف بررسی نقش تعامل و هم‌گرایی در ماندگاری نخبگان در افغانستان انجام می‌شود. اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از:

1. تحلیل مفهوم تعامل و هم‌گرایی و تأثیر آن بر انسجام اجتماعی.
2. بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان از افغانستان.
3. ارائه راهکارهای عملی برای تقویت تعامل و هم‌گرایی به منظور ماندگاری نخبگان.
4. بررسی نقش امارت اسلامی و نهادهای اجتماعی در ایجاد بسترهای مناسب برای ماندگاری نخبگان.

ز-پیشینه تحقیق

پژوهش‌های پیشین در حوزه مهاجرت نخبگان و نقش تعامل و هم‌گرایی در جوامع متنوع، نشان می‌دهد که فقدان عدالت اجتماعی، تعصبات قومی و بی‌ثباتی سیاسی از عوامل اصلی مهاجرت نخبگان هستند. مطالعاتی که در کشورهای دیگر انجام شده‌اند، تأکید کرده‌اند که تعامل سازنده و هم‌گرایی میان گروه‌های مختلف جامعه می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش حس تعلق ملی کمک کند. با این حال، تحقیقات خاصی که به طور ویژه به افغانستان پرداخته باشند، با این عنوان خاص خیلی کم است ما به آن دست نیافتیم و این پژوهش می‌کوشد تا خلای موجود در این زمینه را پر کند.

این تحقیق در تلاش است تا با واکاوی نقش تعامل و هم‌گرایی، راهکارهایی عملی برای حفظ و ماندگاری نخبگان در افغانستان ارائه دهد. امید است که نتایج این پژوهش بتواند به سیاست‌گذاران، نهادهای اجتماعی و فعالان حوزه توسعه کمک کند تا با ایجاد بسترهای مناسب، از فرار مغزها جلوگیری کرده و آینده‌ای روشن‌تر برای افغانستان ترسیم کنند.

1- مفاهیم

1-1. نخبگان

نخبه، معادل واژه انگلیسی elit به معنای برگزیده بهتر سرآمد و شایسته است. سرآمدان فرهیخته ترین و تواناترین قشر جامعه اند³ تفکر درباره قشر نخبه، ریشه در فلسفه یونان باستان دارد و جمهور افلاطون قدیمی ترین اثر در این زمینه است. افلاطون در این زمینه می‌گوید: شما که اهالی این شهر هستید همه برادرید اما از میان شما آنان که لیاقت حکومت بر دیگران را دارند. خداوند آنها را به طلا سرشته است و از این رو آنها با ارزش ترین افرادند و اما خداوند در سرشت نگهبانان نقره به کار برده و در سرشت برزگران و سایر پیشاوران آهن و برنج⁴.

با تومور⁵ درباره تاریخ پیدایش واژه نخبه می‌گوید: واژه الیت یا نخبه در قرن هفده میلادی برای توصیف کالاهایی با مرغوبیت خاص به کار می‌رفت و بعدها نیز برای اشاره به گروه‌های اجتماعی برتر مانند واحدهای نظامی حزبی یا مراتب عالی تر اشرافیت گسترش یافت. بر اساس فرهنگ آکسفورد، قدیمی‌ترین کاربرد شناخته‌شده واژه «نخبه» در زبان انگلیسی به

³- آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، ص 15

4- افلاطون، جمهور، ترجمه فواد روحانی، ص 202

5- توماس برتون باتامور (۸ آوریل ۱۹۲۰، انگلستان - ۹ دسامبر ۱۹۹۲، ساسکس، انگلستان)، که بیشتر با نام تام باتامور شناخته می‌شود و آثار خود را با نام T.B. Bottomore منتشر می‌کرد، جامعه‌شناس مارکسیست برجسته انگلیسی بود. او از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۹ دبیر انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی (ISA) بود و در فاصله سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ به عنوان هشتمین رئیس این انجمن فعالیت کرد. باتامور از ویراستاران و مترجمان پرکار آثار مارکسیستی به‌شمار می‌رفت و از جمله مهم‌ترین آثار وی می‌توان به مجموعه‌هایی اشاره کرد که در سال ۱۹۶۳ منتشر شدند، از جمله نوشته‌های اولیه مارکس و نوشتارهای منتخب در جامعه‌شناسی و فلسفه اجتماعی است

سال ۱۸۲۳ بازمی‌گردد، زمانی که این واژه برای اشاره به گروه‌های اجتماعی به کار رفت. با این حال، اصطلاح «نخبه» تا اواخر قرن نوزدهم در نوشته‌های سیاسی و اجتماعی اروپا و تا دهه ۱۹۳۰ در بریتانیا و ایالات متحده رواج گسترده‌ای نیافت. تنها از این دوره به بعد بود که این واژه، تحت تأثیر نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره نخبگان - به‌ویژه آثار ویلفردو پارتو - به‌طور گسترده در ادبیات علمی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت.^۶ بنابراین از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در اروپا و آمریکا در نوشته‌های سیاسی - اجتماعی محققان و فلاسفه به واژه نخبه توجه شده و در سال‌های بین دو جنگ متفکران ایتالیایی این واژه را بسط داده و آن را به یک مکتب سیاسی تبدیل کرده‌اند.^۷ به نظر پارتو^۸ اصطلاح نخبگان هیچ گونه دلالت اخلاقی یا افتخار آمیزی ندارد و به کسانی اطلاق می‌شود که در هر یک از شاخه‌های فعالیت بشری بالاترین نمره را به دست آورده باشند. از نظر پارتو نخبگان به دو دسته تقسیم می‌شوند، دسته اول نخبگان حکومتی که به آنها نخبگان سیاسی و نخبگان قدرت نیز گفته می‌شود؛ و دسته دیگر نخبگان غیر حکومتی، آنها افرادی هستند که خارج از حوزه حکومت، نخبه‌اند.^۹

به طور کلی نخبگان به افرادی اطلاق می‌شود که در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی دارای توانایی‌های برتر و دستاوردهای ویژه‌ای هستند. آنان به دلیل تخصص، بینش و مهارت‌های خود قادرند تأثیر عمیقی بر ساختارهای اجتماعی و توسعه کشور بگذارند. نخبگان شامل دانشمندان، مخترعان، نویسندگان، هنرمندان، سیاست‌گذاران و کارآفرینانی هستند که هر یک در حوزه خود نقشی حیاتی در شکل‌دهی آینده جامعه ایفا می‌کنند. در افغانستان، که با مشکلات گسترده‌ای چون فقر، بی‌ثباتی سیاسی و کمبود زیرساخت‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند، نخبگان می‌توانند به‌عنوان موتور محرک توسعه عمل کنند و زمینه‌ساز پیشرفت کشور شوند.

با این حال، فرار مغزها یا گردش نخبگان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی افغانستان است. گردش نخبگان عبارت است از جابه‌جایی افراد بر اساس تخصص و شایسته‌سالاری از یک پایگاه به پایگاه‌های اجتماعی دیگر.^{۱۰} این پدیده ناشی از عواملی چون نبود فرصت‌های شغلی، تبعیض، ناامنی و نبود عدالت اجتماعی است. نخبگان، زمانی که نتوانند در محیطی سازنده و عادلانه فعالیت کنند، معمولاً به دنبال فرصت‌های بهتر در خارج از کشور می‌گردند. بنابراین، شناسایی و بررسی عواملی که به حفظ نخبگان کمک می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

6- تامس برتون باتومور، نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، ص 1-2

7- ریمون آرون، مراحل سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، ص 518

8 - ویلفردو پارتو (۱۸۴۸-۱۹۲۳) اقتصاددان و جامعه‌شناس ایتالیایی بود. پس از تحصیل در پلی‌تکنیک تورین، وارد صنعت و سیاست شد و سپس به تدریس اقتصاد در دانشگاه لوزان پرداخت. او تحت تأثیر روشنگری، اثبات‌گرایی کنت و اقتصاد کلاسیک بود. پارتو با نظریه «نخبه‌گرایی» مشهور شد؛ به باور او، افراد از نظر توانایی نابرابرند و نخبگان در هر حوزه برترند، بی‌آنکه الزامی به برتری اخلاقی داشته باشند. نظریه «گردش نخبگان» او نشان می‌دهد که نخبگان قدیمی پیوسته با نخبگان جدید جایگزین می‌شوند. پارتو نخبگان را به «شیرصفقان» (قدرت‌طلب) و «روبه‌صفقان» (زیرک و معامله‌گر) تقسیم می‌کرد. او معتقد بود بیشتر رفتارهای انسانی غیرمنطقی‌اند و جامعه‌شناسی باید آن‌ها را تحلیل کند. رویکردش روان‌شناختی و نخبه‌محور بود. (ریمون آرون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ج ۱، ص ۵۴۹، احمد نقیب‌زاده، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، ج ۱، ص ۱۳۵، مایکل راش، جامعه و سیاست، ج ۱، ص ۷۱)

9- لوئیس کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ص 524

10- بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، ص 264

1-2. تعریف تعامل

تعامل، در معنای ژرف و گسترده‌ی خود، به فرآیند برقراری ارتباطی سازنده، پویا و مؤثر میان افراد، گروه‌ها یا جوامع گوناگون اطلاق می‌شود.¹¹ این ارتباط، که می‌تواند در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نمود یابد¹² زمانی به شکلی ثمربخش و پایدار تحقق می‌یابد که طرفین با رعایت اصول احترام متقابل، گوش‌دادن فعالانه و درک عمیق تفاوت‌ها، بستری مناسب برای هم‌اندیشی، همکاری و هم‌افزایی فراهم آورند. تعامل، در حقیقت، پلی است که می‌تواند شکاف‌های ناشی از تفاوت‌ها را پُر کند و زمینه‌ساز همدلی و وحدت در عین تنوع و کثرت باشد.¹³

در بستر جامعه‌ی افغانستان، که از لحاظ قومی، مذهبی و فرهنگی از تنوعی چشم‌گیر برخوردار است، تعامل میان اقوام و گروه‌های مختلف از اهمیتی حیاتی برخوردار می‌باشد. فقدان تعامل سازنده و نادیده‌گرفتن ضرورت گفت‌وگو و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، می‌تواند به تعمیق شکاف‌ها، گسترش بی‌اعتمادی و حتی شعله‌ور شدن آتش اختلافات قومی و مذهبی بیانجامد. در مقابل، تقویت فرهنگ تعامل و گفت‌وگو، نه‌تنها به کاهش تنش‌ها و افزایش اعتماد اجتماعی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان عاملی نیرومند در جهت تحکیم وحدت ملی و پیشبرد اهداف توسعه‌ای کشور عمل نماید.

در حوزه‌ی خبگان، تعامل به معنای فراهم‌سازی فضایی باز و پویاست؛ فضایی که در آن افراد با تخصص‌ها، تجربه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون بتوانند آزادانه با یکدیگر به تبادل اندیشه بپردازند. و از رهگذر این هم‌فکری، به راه‌حل‌های نوآورانه و کارآمد برای چالش‌های پیش‌رو دست یابند. چنین فضایی نه‌تنها به رشد و شکوفایی فردی خبگان یاری می‌رساند، بلکه آنان را از رقابت‌های ناسالم و مخرب دور ساخته، به سمت همکاری‌های سازنده و تلاش برای تحقق منافع جمعی و پیشرفت ملی سوق می‌دهد. در این راستا، تعامل خبگان می‌تواند به عنوان موتور محرکه‌ی توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه در جامعه عمل کند.¹⁴

1-3. تعریف هم‌گرایی

از نظر لغوی هم‌گرایی را به تقارب و همسویی معنا کرده‌اند¹⁵ (معنای واژه هم‌گرایی) در فرهنگ آکسفورد، چند معنی به این کلمه ارائه شده است: 1- هم‌گرایی عبارت است از ترکیب دو چیز در یک دیگر به طوری که یکی بخش تفکیک ناپذیر دیگری شود. 2- عضویت کامل یک فرد در جامعه.¹⁶ با توجه به این که هم‌گرایی اصطلاح است که در علوم سیاسی کاربرد بیشتر دارد و در مکانیزم همسویی دولت‌ها بر ایجاد اتحادیه‌ها با یک دیگر، برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای جهت رسیدن به منافع کلان مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در تعبیرات متفکران اسلامی هم‌گرایی بیشتر به معنایی تقریب مکاتب کلامی، مذاهب فقهی و جریان‌های فکری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به این که هم‌گرایی و تقریب میان مسلمین در یک صد سال اخیر مورد توجه علمای روشن‌گر اسلام همچون سید جمال الدین افغانی قرار گرفت، لذا هم‌گرایی یعنی؛

11- ویلیام اسکیدمور، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ص 28

12- ر. ک مسعود چلبی، جامعه‌شناسی نظم، ص 45.

13- پیتر بورديو، شکل‌های سرمایه، ص 142

14- محمد رضایی، فرهنگ تعامل و گفتگو در جوامع چند فرهنگی، ص 92

15- محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه (هم‌گرایی).

16- علی اکبر، ولایتی، تحلیل تجارب هم‌گرایی در جهان اسلام، ص 153.

تلاش برای از بین بردن شوکت تعصب و پیوند زدن امت اسلامی بر اساس اصول، عقیده، مبانی و اساس دین میباشد.¹⁷ بنابراین، همگرایی به رفتار متقابل و متعهدانه مسلمانانی اشاره دارد که اهل تفکر و اندیشه‌اند. بحث این است که اختلاف این‌ها چگونه مدیریت شود در این رابطه سیاست راهبردی برای مصونیت همگرایی، اصل احترام به یکدیگر برای پوشاندن اختلافات و خلاهای موجود، مهار تنش‌ها و پرهیز از سب و دشنام نسبت به یکدیگر، باید مورد نظر می‌باشد. همگرایی به معنای اتحاد و انسجام میان گروه‌های مختلف جامعه است، برخلاف مفهوم یکسان‌سازی، همگرایی بر حفظ تنوع در عین دستیابی به وحدت تأکید دارد که به معنای احترام به عقائد و باورهای دیگران آمده است.¹⁸ در یک جامعه هم‌گرا، تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی به جای اینکه مانعی برای وحدت باشند، به فرصتی برای تقویت همکاری و همبستگی تبدیل می‌شوند.¹⁹

افغانستان با تنوع قومی و فرهنگی‌اش، برای دستیابی به ثبات و پیشرفت نیازمند همگرایی ملی است. همگرایی زمانی محقق می‌شود که تمامی اقشار جامعه احساس کنند که در تصمیم‌گیری‌ها و فرصت‌های کشور سهمی برابر دارند. این احساس، مستلزم وجود عدالت اجتماعی، احترام به حقوق اقلیت‌ها و توزیع عادلانه منابع است.

همگرایی نخبگان به معنای ایجاد فضایی است که در آن افراد نخبه و متخصص از گروه‌ها، قومیت‌ها، مذاهب و دیدگاه‌های سیاسی مختلف، بتوانند در کنار یکدیگر و بدون احساس تبعیض، برای پیشرفت و توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور همکاری کنند. این همگرایی زمانی محقق می‌شود که نخبگان احساس امنیت، احترام و برابری داشته باشند و بدانند که توانایی‌ها و دانش آنان فارغ از هرگونه تفاوت قومی، مذهبی یا سیاسی، مورد تقدیر و استفاده قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، انگیزه نخبگان برای ماندن و مشارکت فعال در داخل کشور افزایش می‌یابد و از "فرار مغزها" جلوگیری می‌شود.²⁰

2- ارتباط تعامل و همگرایی با ماندگاری نخبگان

تعامل و همگرایی به عنوان دو عامل کلیدی می‌توانند نقشی حیاتی در ماندگاری نخبگان ایفا کنند. این دو مفهوم، زمینه‌ساز ایجاد محیطی هستند که در آن نخبگان می‌توانند بدون نگرانی از تبعیض یا نبود فرصت‌های برابر، به فعالیت و شکوفایی بپردازند.

در یک جامعه متفاهم و هم‌گرا، نخبگان نه تنها از حمایت اجتماعی برخوردار خواهند بود، بلکه احساس امنیت و اعتماد به نظام اجتماعی نیز در آنان تقویت می‌شود. این احساس، عاملی مهم در جلوگیری از مهاجرت نخبگان است. در مقابل، جوامعی که در آن‌ها تعامل و همگرایی جایگاهی ندارند، معمولاً با مهاجرت گسترده نخبگان و کاهش سرمایه‌های انسانی خود مواجه می‌شوند.²¹ افغانستان با تاریخ کهن و تنوع فرهنگی گسترده‌اش، همواره نمونه‌ای از همزیستی اقوام مختلف بوده است. در طول تاریخ، زمانی که تعامل و همگرایی میان اقوام تقویت شده، این کشور توانسته است به دوره‌هایی از ثبات و شکوفایی دست یابد. از سوی دیگر، درگیری‌های قومی و مذهبی، که معمولاً ناشی از نبود تعامل و همگرایی بوده، موجب آسیب‌های

17- راز محمد، سارلی، همگرایی اسلامی، ص 53.

18- عبد الحمید عمر، معجم اللغة العربية المعاصرة، ج 2، ص 1105

19- علی باقی نصر آبادی، همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی، ص 6

20- ر. ک به فروزنده صالحی، مروری بر پدیده فرار مغزها و علل و عوامل مترتب بر آن، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد

21- تامس برتون باتومور، پیشین، ص 5

عمیق به جامعه شده است.²² برای مثال، دوران‌هایی از تاریخ افغانستان که در آن عدالت اجتماعی، تعامل سیاسی و فرهنگی، و هم‌گرایی میان اقوام تقویت شده بود، زمینه‌ساز رشد علمی و فرهنگی کشور شد. اما زمانی که تعصبات قومی و بی‌عدالتی اجتماعی غالب شدند، نخبگان نیز یا به حاشیه رانده شدند یا مهاجرت کردند.²³

3- اهمیت تعامل و هم‌گرایی

در دنیای کنونی، که رقابت جهانی بر سر جذب نخبگان به اوج خود رسیده است، کشورهایی که بتوانند تعامل و هم‌گرایی را تقویت کنند، در جذب و حفظ نخبگان موفق‌تر خواهند بود. تعامل و هم‌گرایی نه تنها در ایجاد یک جامعه پایدار و منسجم نقش دارند، بلکه به عنوان ابزاری مفید برای پیشبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز شناخته می‌شوند.²⁴ در افغانستان، ایجاد سیاست‌هایی که بر تقویت تعامل و هم‌گرایی تأکید داشته باشند، می‌تواند به جلوگیری از مهاجرت نخبگان و بهره‌برداری از ظرفیت‌های آنان در داخل کشور کمک کند. این سیاست‌ها باید بر عدالت اجتماعی، شفافیت، و توزیع عادلانه منابع متمرکز باشند تا تمامی اقشار جامعه احساس کنند که بخشی از آینده کشور هستند.

به طور کلی تعامل و هم‌گرایی، مفاهیمی هستند که درک عمیق و اجرای آن‌ها می‌تواند نقشی حیاتی در حفظ سرمایه‌های انسانی یک کشور ایفا کند.²⁵ افغانستان، به عنوان کشوری با ظرفیت‌های بالقوه فراوان، برای بهره‌برداری از توانایی‌های نخبگان خود نیازمند تقویت این دو مفهوم در تمامی سطوح جامعه است. بدون تعامل و هم‌گرایی، چالش‌های اجتماعی و سیاسی نه تنها حل نخواهند شد، بلکه به مهاجرت بیشتر نخبگان و تضعیف بیشتر ساختارهای کشور منجر خواهند شد.

4. ابعاد و تأثیرات تعامل و هم‌گرایی بر ماندگاری نخبگان در افغانستان

تعامل و هم‌گرایی مفاهیمی چندبعدی هستند که تأثیرات آن‌ها در جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه به طور مستقیم بر ماندگاری نخبگان اثرگذار است.²⁶ در این بخش، به بررسی این ابعاد و تأثیرات پرداخته خواهد شد.

4-1. بعد اجتماعی

در جامعه‌ای مانند افغانستان که تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی از ویژگی‌های اصلی آن است، تعامل اجتماعی میان اقوام و گروه‌های مختلف، شرط ضروری برای ایجاد ثبات و همبستگی است. نبود تعامل اجتماعی، معمولاً منجر به تقویت تعصبات، گسترش بی‌اعتمادی و سوء تفاهات قومی می‌شود. این شرایط می‌تواند نخبگان را، که معمولاً در فضایی باز و مبتنی بر احترام به تفاوت‌ها شکوفا می‌شوند، از فعالیت در چنین جامعه‌ای ناامید کند.²⁷

تعامل اجتماعی باعث می‌شود که افراد از پیش‌داوری‌ها فاصله بگیرند و زمینه‌های مشترک برای همکاری و تبادل نظر فراهم شود. این امر، برای نخبگان نیز اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه آنان نیازمند بستری هستند که در آن بتوانند ایده‌ها و دستاوردهای خود را به اشتراک بگذارند و از حمایت جمعی بهره‌مند شوند.

22- ظاهر طنین، افغانستان در قرن بیستم، ص 68

23- حسین انصاری فرد، دلایل مهاجرت نخبگان و راهکارهای جلوگیری از آن، جستارنجم علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران

24- فاطمه پاسبان، هم‌گرایی یا واگرایی، جستار خبری دنیای اقتصاد، شماره روزنامه 4979

25- رقیه نقی زاده و همکاران، نقش رهبری در هم‌گرایی بین مردم و مسئولین در جمهوری اسلامی، ص 76

26- محمد عبدالعلیم، مرسی، هجرة العلماء، ص 131.

27- محمد تقی ایمان و همکاران، تبیین جامعه‌شناختی همسازی اجتماعی گروه‌های قومی در افغانستان، ص 12

4-2. بعد فرهنگی

فرهنگ به‌عنوان زیربنای هویت ملی، نقشی کلیدی در ایجاد هم‌گرایی میان اقوام و گروه‌های مختلف جامعه دارد. افغانستان، با داشتن میراث غنی فرهنگی و تاریخی، می‌تواند از این پتانسیل برای تقویت هویت مشترک و ایجاد حس تعلق در میان نخبگان بهره‌برد.

با این حال، گاهی تنوع فرهنگی به‌جای آنکه عامل غنا و همبستگی باشد، به دلیل نبود مدیریت درست، به عامل جدایی و تعارض تبدیل می‌شود. برای مثال، نادیده گرفتن فرهنگ اقوام مختلف یا تحمیل یک فرهنگ خاص می‌تواند به کاهش انگیزه نخبگان از اقوام مختلف برای فعالیت در جامعه منجر شود.

هم‌گرایی فرهنگی، که بر اساس احترام به تنوع و پذیرش تفاوت‌ها شکل می‌گیرد، می‌تواند حس هویت ملی را تقویت کرده و به نخبگان انگیزه دهد تا به‌جای مهاجرت، به ساختن آینده کشورشان بپردازند. برنامه‌های فرهنگی مشترک، جشنواره‌های هنری و گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی می‌توانند ابزارهایی مؤثر برای تقویت هم‌گرایی فرهنگی باشند.²⁸

4-3. بعد سیاسی

استقرار سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل در حفظ و ماندگاری نخبگان است. زمانی که نظام سیاسی یک کشور شفاف، عادلانه و مبتنی بر مشارکت جمعی باشد، نخبگان احساس امنیت بیشتری خواهند داشت و تمایل بیشتری به ماندن و فعالیت در کشور خواهند داشت.²⁹ نظام سیاسی که نتواند عدالت را در توزیع قدرت و منابع رعایت کند، نه‌تنها موجب گسترش تعارضات می‌شود، بلکه نخبگان را نیز به حاشیه می‌راند.

هم‌گرایی سیاسی به معنای ایجاد فضایی است که در آن تمامی اتباع کشور، اقوام و گروه‌های سیاسی احساس کنند که در اداره کشور و تصمیم‌گیری‌های کلان، سهم دارند.

4-4. بعد اقتصادی

اقتصاد یکی از اصلی‌ترین عواملی است که بر تصمیم‌گیری نخبگان برای ماندن یا مهاجرت تأثیر می‌گذارد. زمانی که فرصت‌های شغلی مناسب، امنیت اقتصادی و حمایت‌های مالی از نخبگان در کشور فراهم باشد، احتمال ماندگاری آنان افزایش می‌یابد. در مقابل، نبود فرصت‌های شغلی، عدم رعایت توازن در توزیع منابع اقتصادی، نخبگان را به سمت ترک وطن سوق می‌دهد.³⁰

تعامل و هم‌گرایی اقتصادی به معنای توزیع عادلانه منابع، ایجاد فرصت‌های برابر و تسهیل مشارکت تمامی اقشار جامعه در فعالیت‌های اقتصادی است. در افغانستان، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، حمایت از کارآفرینان و نخبگان اقتصادی و کاهش فساد می‌تواند نقش بسزایی در تقویت هم‌گرایی اقتصادی و ماندگاری نخبگان داشته باشد.³¹

4-5. بُعد آموزشی

نظام آموزشی نقشی اساسی در شناسایی، پرورش و حمایت از نخبگان ایفا می‌کند. زمانی که نظام آموزشی بتواند زمینه

28- غفاری نسب و همکاران، هویت قومی و هویت ملی در افغانستان: مورد مطالعه، دانشجویان تعلیم و تربیه کابل، ص 67

29- عبدالحکیم سلیمی، راهکارهای تأمین عدالت، ص 5

30- ر. ک به ناصرعلی رضانی و همکاران، بررسی عوامل مؤثر بر ماندگاری نخبگان (نخبه داری) و کاهش فرار مغزها از کشور با کاربرد روش کیفی داده بنیاد

31- علیرضا برازش، وحدت و همگرایی، ص 25

رشد و شکوفایی استعدادها را فراهم کند و فرصت‌های برابر برای تمامی اقشار جامعه ایجاد نماید، احتمال ماندگاری نخبگان افزایش می‌یابد.³²

در افغانستان، تعامل و هم‌گرایی آموزشی می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی مشترک، تبادل استادان و محصلان از اقوام مختلف و تأکید بر محتوای درسی که ارزش‌های هم‌گرایی را تقویت می‌کند، تقویت شود. همچنین، حمایت از نخبگان جوان و ایجاد فرصت‌هایی برای ادامه تحصیل و تحقیق در داخل کشور می‌تواند به جلوگیری از مهاجرت نخبگان کمک کند.³³

4-6. بُعد بین‌المللی

نخبگان افغانستان، به دلیل ارتباطات جهانی و دسترسی به منابع بین‌المللی، می‌توانند نقش پل ارتباطی میان افغانستان و جامعه جهانی را ایفا کنند. تعامل و هم‌گرایی در سطح بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز تبادل دانش و تجربیات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت دیپلماسی فرهنگی شود.³⁴

امارت اسلامی افغانستان می‌تواند با ایجاد فرصت‌های همکاری با نهادهای بین‌المللی، ارائه بورسیه‌های تحصیلی و تحقیقاتی و تسهیل بازگشت نخبگان مهاجر، از این ظرفیت بهره‌برداری کند.

به طور کلی ابعاد مختلف تعامل و هم‌گرایی، از اجتماعی و فرهنگی گرفته تا سیاسی و اقتصادی، نقش حیاتی در ماندگاری نخبگان در افغانستان دارند. بدون تقویت این مفاهیم، جامعه نه تنها سرمایه‌های انسانی خود را از دست می‌دهد، بلکه فرصت‌های توسعه و پیشرفت را نیز از دست خواهد داد. بنابراین، تمرکز بر ابعاد مختلف تعامل و هم‌گرایی باید به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی دولت و مردم افغانستان در نظر گرفته شود.

5. عوامل تأثیرگذار بر تعامل و هم‌گرایی برای حفظ نخبگان

تعامل و هم‌گرایی در یک جامعه، به‌ویژه در کشوری چون افغانستان با تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی، به عوامل متعددی وابسته است که هرکدام در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی و تصمیمات نخبگان نقش حیاتی دارند. یکی از عوامل مهم، عدالت اجتماعی است. نخبگان به محیطی نیاز دارند که در آن احساس عدالت و برابری کنند.³⁵ اگر جامعه‌ای بر مبنای نابرابری‌های عمیق شکل گرفته باشد، نخبگان در چنین فضایی نه تنها انگیزه‌ای برای مشارکت ندارند، بلکه اغلب به مهاجرت روی می‌آورند. در افغانستان، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی یکی از ریشه‌های اصلی نارضایتی و عدم هم‌گرایی بوده است. توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها می‌تواند زمینه تقویت هم‌گرایی و افزایش حس مسئولیت‌پذیری نخبگان نسبت به جامعه را فراهم آورد.³⁶

عامل دیگر، شفافیت و پاسخگویی حکومت است. حکومت‌هایی که دچار فساد، بی‌عدالتی و نبود شفافیت باشند، به‌طور مستقیم تعامل میان نخبگان و ساختارهای دولتی را مختل می‌کنند. نخبگان برای ماندگاری در یک جامعه، نیازمند فضای شفاف و سازوکارهایی مبتنی بر شایسته‌سالاری هستند. در افغانستان از سالیان درازی، ضعف در نظام اداری و نبود شفافیت

32- شیوا پروائی، محمد حسین شریفی ساعی، جامعه‌شناسی مهاجرت نخبگان؛ موانع ماندگاری نخبگان دانشگاهی در ایران، ص 128

33- ر. ک به غفاری نسب و همکاران، پیشین

34- مرتضی کریمی و همکاران، چالشها و فرصت‌های امارت اسلامی افغانستان در روابط با ایران، ص 94-101

35- گروه تحقیق شورای متخصصان هرات، قوم‌گرایی و توسعه سیاسی در افغانستان، ص 67

36- احسان خادمی بهابادی، بررسی عوامل اثرگذار در هم‌گرایی و واگرایی افغانستان و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ص 38

موجب شده است تا بسیاری از نخبگان نتوانند جایگاه شایسته خود را بیابند. اصلاح ساختارهای اداری امارت اسلامی و افزایش پاسخگویی می‌تواند از مهاجرت نخبگان جلوگیری کرده و آن‌ها را به فعالیت در داخل کشور تشویق کند.

امنیت و ثبات سیاسی نیز نقش مهمی در حفظ نخبگان ایفا می‌کند. الحمدلله، در شرائط کنونی، وضع امنیتی کشور، نسبت به گذشته بسیار خوب شده است، اما زمانی که جامعه‌ای درگیر بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی گسترده باشد، نخبگان به‌عنوان گروهی حساس و تأثیرگذار، بیش از سایر اقشار در معرض تهدید قرار می‌گیرند.³⁷

نظام آموزشی و تربیتی نیز در شکل‌گیری تعامل و هم‌گرایی اهمیت بسزایی دارد. آموزش عادلانه و فراگیر، علاوه بر پرورش نخبگان، می‌تواند ارزش‌های مشترک را تقویت کرده و به ایجاد حس وحدت ملی کمک کند. در افغانستان، نظام آموزشی نیازمند اصلاحاتی است که دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی را برای تمامی اقشار جامعه فراهم کند. تقویت زیرساخت‌های آموزشی، تأمین امکانات برای مناطق محروم و توجه ویژه به کیفیت آموزش می‌تواند نخبگان جوان را برای ایفای نقش مؤثر در جامعه آماده کند.³⁸

رسانه‌ها و فضای عمومی نیز می‌توانند نقش کلیدی در تقویت تعامل و هم‌گرایی داشته باشند. رسانه‌ها با تأثیرگذاری گسترده‌ای که بر افکار عمومی دارند، می‌توانند به جای دامن‌زدن به تعصبات قومی و مذهبی، بر وحدت ملی و تقویت هویت مشترک تأکید کنند. در کنار رسانه‌های سنتی، فضای مجازی نیز به‌عنوان بستری برای گفت‌وگوهای سازنده میان نخبگان و عموم مردم می‌تواند به تقویت روابط اجتماعی کمک کند.³⁹

مدیریت صحیح رسانه‌ها و جلوگیری از انتشار محتواهای تفرقه‌افکنانه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند تعاملات اجتماعی را بهبود بخشد.

نقش جامعه مدنی نیز در حفظ نخبگان بسیار حائز اهمیت است. سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند با برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، گفتمان‌های سازنده‌ای را میان اقوام و گروه‌های مختلف ترویج دهند. حمایت از فعالیت‌های جامعه مدنی و تشویق آنان به ایفای نقش در تصمیم‌گیری‌های کلان می‌تواند به تقویت هم‌گرایی اجتماعی منجر شود.⁴⁰

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار، توجه به مهاجران و نخبگان بازگشته است. بسیاری از نخبگان افغان که به دلایل مختلف مهاجرت کرده‌اند، تمایل به بازگشت دارند، اما نبود زمینه‌های مناسب، بازگشت آن‌ها را با دشواری مواجه کرده است. ایجاد تسهیلات برای بازگشت نخبگان، از جمله فراهم کردن امنیت شغلی، حمایت‌های مالی و مشارکت در پروژه‌های توسعه‌ای، می‌تواند به جذب آنان و بهره‌برداری از ظرفیت‌هایشان کمک کند.⁴¹

اعتمادسازی میان اقوام و گروه‌های مختلف نیز از دیگر عوامل کلیدی در تقویت تعامل و هم‌گرایی است. تاریخ طولانی تعارضات قومی در افغانستان، بی‌اعتمادی میان گروه‌های مختلف را افزایش داده است. برنامه‌هایی برای ترویج گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی، برگزاری جشنواره‌های مشترک و تقویت همکاری‌های اقتصادی میان اقوام، می‌تواند در بازسازی اعتماد میان گروه‌های مختلف مؤثر باشند.

37- راحل، جاوید، بحران قومیت و بن بست سیاسی در افغانستان، خبرگزاری آریا پرس

38- اورخ لاشرف نعمت و کیرین ورنر، نقش جامعه مدنی در ترویج حکومت داری خوب در افغانستان، ص 28

39- حمید مولانا، جامعه مدنی و جهانی سازی (جامعه مدنی جهانی؟)، ص 36

40- محمد رضا ضیایی بیگدلی، جامعه مدنی جهانی و حقوق بین الملل، ص 16

41- محمد جواد محدثی، نقش نخبگان در روند شکل‌گیری پارلمان و حکومت داری افغانستان، ص 162

در نهایت، تعامل و هم‌گرایی، نتیجه تلاش‌های هماهنگ در تمامی این حوزه‌ها است. تقویت این عوامل نه تنها می‌تواند به حفظ نخبگان کمک کند، بلکه بستری برای توسعه پایدار، ثبات و پیشرفت افغانستان نیز فراهم خواهد آورد. این مهم، نیازمند تعهد و همکاری همه‌جانبه دولت، جامعه مدنی و مردم است تا افغانستان به جایگاه شایسته خود در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی دست یابد.

7. راهکارهای تقویت تعامل و هم‌گرایی برای حفظ نخبگان در افغانستان

برای ایجاد و تقویت تعامل و هم‌گرایی در افغانستان، به‌ویژه در زمینه حفظ نخبگان، لازم است که سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثری طراحی و اجرا شود. این راهبردها باید با توجه به شرایط خاص کشور و نیازهای نخبگان در عرصه‌های مختلف، زمینه‌ساز مشارکت فعال آنان در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشند. در این بخش، به برخی از مهم‌ترین راهبردهای تقویت تعامل و هم‌گرایی برای حفظ نخبگان پرداخته خواهد شد.

7-1. تقویت نظام حکومتی مبتنی بر شفافیت و پاسخگویی

یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای جلوگیری از مهاجرت نخبگان و تقویت تعامل و هم‌گرایی در کشور، ایجاد حکومتی شفاف و پاسخگو است؛ طبق گزارش بانک جهانی (۲۰۱۶)، فساد اداری و نبود شفافیت در کشورهای در حال توسعه، از عوامل اصلی مهاجرت نخبگان محسوب می‌شود. به‌عنوان نمونه، در الجزایر، نبود شفافیت در سیستم اداری منجر به خروج سالانه ۸۸۰ نخبه به کشورهای اروپایی شد⁴². نخبگان زمانی تمایل به ماندن و فعالیت در کشور دارند که احساس کنند تصمیمات کلیدی به‌طور شفاف و بر اساس اصول قانونی اتخاذ می‌شود و فرصت‌های برابر برای همه وجود دارد. بنابراین، اصلاحات در نحوه حکومتداری در افغانستان باید در اولویت قرار گیرد. ارتقای شفافیت در فرآیندهای حکومتی و ایجاد سیستم‌های پاسخگو، می‌تواند اعتماد نخبگان را جلب کرده و آنان را به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های ملی تشویق کند. در نتیجه، تقویت نظام حکومتی مبتنی بر شفافیت و پاسخگویی، به‌عنوان یک راهکار کلیدی، می‌تواند مانع از مهاجرت نخبگان شود و زمینه‌های لازم برای جذب و ماندگاری آنان در کشور را فراهم کند.

7-2. توجه به نظام آموزشی

یکی از راهکارهای مؤثر برای ماندگاری نخبگان در افغانستان، انجام اصلاحات گسترده در نظام آموزشی است. این اصلاحات باید به‌گونه‌ای باشد که تمامی افراد، به‌ویژه نخبگان، از فرصت‌های برابر برای رشد و پیشرفت بهره‌مند شوند. تقویت کیفیت آموزش زمینه ماندگاری را بیشتر بسازد، چنانچه عدم توجه در بسیاری از کشورهای عربی، مشکلاتی نظیر نبود توجه کافی به پژوهش علمی و کمبود مراکز تحقیقاتی علمی، به‌عنوان دلایل اصلی مهاجرت نخبگان به کشورهای دیگر شناخته شده است.⁴³ این مشکلات در افغانستان نیز به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارند و بر روند مهاجرت نخبگان تأثیر منفی می‌گذارند؛ چنانچه بر اساس گزارش یونسکو (۲۰۱۰) کم‌مهری کشورها را برای نخبگان خود یکی از دلایل مهاجرت عنوان نموده است کشورهای عربی تنها ۳۸ دلار به ازای هر محقق هزینه می‌کنند، در حالی که کشورهای پیشرفته‌ای مانند آمریکا

42- (Algérie-Eco, 2016) Algeria: Brain Drain Has Cost the Country 165 Billion Dollars in 30 Years.

43- تصدر عن المنتدى الإسلامي، مجلة البيان، العدد ۲۳۸، ج 3، ص 180.

سالانه ۱۹۵ هزار دلار در این زمینه سرمایه‌گذاری می‌کنند. این شکاف آموزشی و سرمایه‌گذاری، مهاجرت نخبگان را تشدید می‌کند.⁴⁴

بنابراین، اصلاحات در نظام آموزشی افغانستان، ایجاد فرصت‌های برابر برای تمامی اقشار، به شمول قشر زنان، و ارتقای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه می‌تواند به‌طور چشمگیری به ماندگاری نخبگان در کشور کمک کرده و به توسعه علمی و اقتصادی افغانستان منجر شود.

7-3. ایجاد فرصت‌های شغلی و تقویت اقتصاد داخلی

ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و تقویت اقتصاد داخلی، سنگ بنای ماندگاری نخبگان و سدی محکم در برابر مهاجرت آنان به شمار می‌رود. هنگامی که نخبگان در وطن خود، چشم‌انداز شغلی روشن و امنی را پیش رو ببینند، انگیزه برای ترک دیار و کوچ به سرزمین‌های دیگر به مراتب کاهش می‌یابد. از این رو، ضروری است که دولت با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه، بسترهای لازم برای شکوفایی کارآفرینی و نوآوری را فراهم آورده و از تقویت بازارهای داخلی به عنوان محرک اصلی ایجاد فرصت‌های شغلی کیفی حمایت کنند.

علاوه بر این، تشویق نخبگان به سرمایه‌گذاری در میهن و پشتیبانی از طرح‌های ملی و بین‌المللی که به خلق فرصت‌های شغلی برای این قشر فرهیخته و جوانان مستعد منجر می‌شود، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در مقابل، نباید از نظر دور داشت که ضعف بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی، که قادر به تأمین سطح مطلوبی از زندگی برای نخبگان نیست، یکی از مهم‌ترین عوامل سوق‌دهنده آنان به سوی مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شود. این چالش‌ها، در کنار نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی و فقدان ثبات در برخی از کشورهای منطقه، به تشدید روند فرار مغزها انجامیده است.⁴⁵

بنابراین، تقویت استخوان‌بندی اقتصاد داخلی و ایجاد زیرساخت‌های مستحکم و کارآمد، نه تنها به رونق کسب‌وکارها و افزایش تولید ناخالص داخلی می‌انجامد، بلکه گامی اساسی در راستای کاهش میل به مهاجرت در میان نخبگان و حفظ سرمایه انسانی ارزشمند در داخل کشور خواهد بود. پرداختن به این مهم، ضامن توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه میهن عزیزمان خواهد بود؛ چون یکی از مهم‌ترین راهکارهای جلوگیری از مهاجرت نخبه‌ها، فراهم کردن فرصت‌های شغلی مناسب و ارزشمند در داخل کشور است. دولت باید با ایجاد مشوق‌های اقتصادی و حمایت از فضای کارآفرینی و اشتغال در داخل کشور، زمینه ماندگاری نخبه‌گان را فراهم بسازد.⁴⁶

7-4. تقویت گفت‌وگوهای ملی و اتحاد اجتماعی

برای ایجاد هم‌گرایی، باید فضای گفت‌وگو و مشارکت میان اقوام مختلف تقویت شود. برنامه‌های گفت‌وگویی ملی که تمامی گروه‌ها و اقوام کشور را به گفت‌وگو و همکاری دعوت کند، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش تعامل اجتماعی کمک کند. این گفت‌وگوها می‌توانند شامل نشست‌های عمومی، سمینارها و پروژه‌های مشترک فرهنگی باشند که در آن نخبگان از

44 - (UNESCO Institute for Statistics, 2010)

45 - شیوا پروائی، محمد حسین شریفی ساعی، جامعه‌شناسی مهاجرت نخبگان؛ موانع ماندگاری نخبگان دانشگاهی، ص 128

46 - ملک‌پور افشار، رضا و حقدوست، علی‌اکبر. (۱۴۰۱). ریشه‌ها و راهکارهای مسئله مهاجرت نخبگان در ایران. نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت، فرهنگستان علوم پزشکی، صص ۱۰-۱۸، دوره ۶، شماره ۱، ص 82.

جریان‌های مختلف به تبادل نظر و همکاری بپردازند. همچنین، برنامه‌های فرهنگی و هنری مشترک می‌تواند در تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی مؤثر باشد این امر زمینه ماندن را بیشتر می‌کند.

7-5. حمایت از نخبگان مهاجر و ایجاد شرایط بازگشت آنان

افغانستان باید سیاست‌هایی را به منظور جذب نخبگان مهاجر و فراهم کردن شرایط مناسب برای بازگشت آنان تدوین کند. بسیاری از نخبگان افغان به دلایل مختلف از کشور مهاجرت کرده‌اند و تمایل به بازگشت دارند، اما در اغلب موارد شرایط بازگشت برای آنان دشوار است. امارت اسلامی باید تسهیلاتی برای بازگشت نخبگان فراهم کند که شامل حمایت‌های مالی، برنامه‌های شغلی و پروژه‌های تحقیقاتی باشد. این سیاست‌ها می‌تواند نه تنها به حفظ نخبگان بلکه به استفاده از تجربیات و تخصص‌های آنان در راستای توسعه کشور کمک کند.

7-6. تقویت همکاری‌های بین‌المللی

افغانستان باید همکاری‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی خود را با کشورهای دیگر گسترش دهد تا زمینه‌های تبادل دانش، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تقویت دیپلماسی علمی و فرهنگی فراهم شود. این همکاری‌ها می‌تواند به نخبگان افغان فرصتی برای مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی و ارتقای سطح دانش و تجربه آنان بدهد. علاوه بر این، تسهیل تبادل دانشجویان و محققان با کشورهای پیشرفته می‌تواند به بازگشت نخبگان و جذب تخصص‌های جدید در افغانستان کمک کند. جامعه مدنی نقش بسزایی در تقویت تعامل و هم‌گرایی دارد. حمایت از فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، تشویق نخبگان به مشارکت در این سازمان‌ها و ایجاد فرصت‌های لازم برای تأثیرگذاری آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور می‌تواند به تقویت اعتماد میان نخبگان و دولت کمک کند. علاوه بر این، استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی برای آموزش، توانمندسازی و ایجاد شبکه‌های همکاری میان نخبگان و عموم مردم می‌تواند تأثیرات مثبتی در حفظ نخبگان و تقویت هم‌گرایی در کشور داشته باشد.

7-7. تقویت رسانه‌ها برای ترویج ارزش‌های هم‌گرایی

رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند و می‌توانند در ایجاد هم‌گرایی و ترویج ارزش‌های مشترک ملی بسیار مؤثر باشند. امارت اسلامی و نهادهای مختلف باید از رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای تقویت وحدت ملی، کاهش تعصبات و ارتقای هم‌گرایی استفاده کنند. رسانه‌ها می‌توانند با پوشش برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، نخبگان را به فعالیت بیشتر در جامعه ترغیب کنند و در عین حال فضای عمومی را برای گفت‌وگوهای سازنده فراهم نمایند.

برای حفظ نخبگان در افغانستان و تقویت تعامل و هم‌گرایی، نیاز به سیاست‌ها و برنامه‌های هماهنگ در زمینه‌های مختلف است. از اصلاحات حکومتی و سیستم آموزشی گرفته تا حمایت از نخبگان مهاجر و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، تمامی این راهبردها می‌توانند در ایجاد فضای مناسب برای مشارکت نخبگان و جلوگیری از مهاجرت آنان مؤثر باشند. تنها با توجه به این مسائل و پیاده‌سازی آن‌ها به طور مؤثر است که افغانستان می‌تواند نخبگان خود را حفظ کرده و به توسعه پایدار دست یابد.

8. نتیجه‌گیری

در مجموع، حفظ و نگهداشتن نخبگان در افغانستان نیازمند ایجاد بستری است که تعامل و هم‌گرایی در آن تقویت شود و از ظرفیت‌های نخبگان به بهترین نحو استفاده گردد. نخبگان به عنوان منابع انسانی با ارزش، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و

توسعه کشور دارند و به همین دلیل، فراهم‌آوری شرایطی که آنان را به ماندن در کشور تشویق کند، ضروری است. این فرآیند مستلزم اصلاحات گسترده در جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور است.

نخستین گام در این راستا، تقویت حکومت شفاف و پاسخگو است که باید با مبارزه با فساد، ارتقای شفافیت و پاسخگویی در تمامی سطوح، اعتماد نخبگان را جلب کند. عدالت اجتماعی و توزیع برابر فرصت‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های آموزش و اشتغال، می‌تواند در ایجاد انگیزه برای نخبگان و جلوگیری از مهاجرت آنان تأثیر بسزایی داشته باشد. علاوه بر این، دوام امنیت و ثبات سیاسی از دیگر پیش‌نیازهای حفظ نخبگان است، چرا که هرگونه بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی، آنان را از فعالیت در داخل کشور باز می‌دارد.

نظام آموزشی نیز باید اصلاح شود تا همه افراد جامعه از فرصت‌های برابر برای یادگیری و رشد برخوردار شوند. در کنار آن، تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای نخبگان از طریق حمایت از کارآفرینی و نوآوری، می‌تواند به جلوگیری از مهاجرت نخبگان کمک کند. تقویت جامعه مدنی و ایجاد بستری برای گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی نیز از دیگر ابزارهای ضروری برای تقویت هم‌گرایی و تعامل است.

در نهایت، افغانستان باید به‌عنوان یک کشور با تاریخ غنی و فرهنگی متنوع، از ظرفیت نخبگان خود بهره‌برداری کند و با ایجاد فضای مناسب برای مشارکت آنان در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی، زمینه‌ساز توسعه پایدار و ثبات ملی گردد. این هدف تنها از طریق همکاری همه‌جانبه امارت اسلامی، نخبگان و جامعه مدنی قابل دسترسی است. بازگشت نخبگان مهاجر و ایجاد شرایط مناسب برای آنان نیز می‌تواند یکی از ارکان اصلی این فرآیند باشد. در صورتی که امارت اسلامی بتواند به این راهبردها توجه کند و آن‌ها را به‌طور مؤثر پیاده‌سازی نماید، قطعاً در مسیر پیشرفت و توسعه قرار خواهد گرفت و نخبگان آن به‌عنوان ستون فقرات رشد کشور باقی خواهند ماند.

9. منابع

1. آرون، ریمون، (1381)، مراحل سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، علمی و فرهنگی
2. اسکیدمور، ویلیام، (1385)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
3. اشرف نعمت، اورحلا، ورنر، کیرین، (1395)، نقش جامعه مدنی در ترویج حکومت داری خوب در افغانستان، مترجم شبنم روحسا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
4. افلاطون، (1374)، جمهور، ترجمه فواد روحانی، اول، تهران، علمی و فرهنگی
5. انصاری فرد، حسین، (1401)، دلایل مهاجرت نخبگان و راهکارهای جلوگیری از آن، انجمن علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران
6. ایمان، محمد تقی، موحد مجد، مجید، یاراحمدی، علی، شاه امانی، گلاب، (1398)، تبیین جامعه‌شناختی همسازی اجتماعی گروه‌های قومی در افغانستان، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد دوره 16، شماره 2
7. با تومور، تامس برتون، (1381)، نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران، شیرازه
8. بوردیو، پیترو، (1389)، شکل‌های سرمایه؛ سرمایه اجتماعی اعتماد دموکراسی و توسعه کیان، تهران شیرازه.
9. بیرو، آلن، (1367)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان

10. پاسبان، فاطمه، (1392)، همگرایی یا واگرایی، جستار خبری دنیای اقتصاد، شماره روزنامه 4979
11. پروائی، شیوا، شریفی ساعی، محمدحسین، (1403)، جامعه شناسی مهاجرت نخبگان؛ موانع ماندگاری نخبگان دانشگاهی در ایران، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دهم شماره 47
12. تصدر عن المنتدى الإسلامي، مجلة البيان، العدد ۲۳۸.
13. چلبی، مسعود، (1386)، جامعه شناسی نظم، تهران: نی
14. خادمی بهابادی، احسان، (1401)، بررسی عوامل اثرگذار در همگرایی و واگرایی افغانستان و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه مطالعات فرهنگ دیپلماسی، دوره 1، شماره 4
15. راحل، جاوید، (2022)، بحران قومیت و بن بست سیاسی در افغانستان، خبرگزاری آریا پرس.
16. راش، مایکل (۱۳۷۷ ش). جامعه و سیاست، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
17. رضایی، محمد، (1400)، فرهنگ تعامل و گفت‌وگو در جوامع چندفرهنگی، نشریه‌ی علوم انسانی دانشگاه کابل، شماره 12
18. سلیمی، عبدالحکیم، (1384)، راهکارهای تامین عدالت، فصلنامه نقد کتاب، شماره 37
19. صالحی، فروزنده، (1371)، مروری بر پدیده فرار مغزها و علل و عوامل مترتب بر آن، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
20. ضیایی بیگدلی، محمد رضا، (1381)، جامعه مدنی جهانی و حقوق بین الملل، پژوهش حقوق عمومی، دوره 4، شماره 7
21. طنین، ظاهر، (1384)، افغانستان در قرن بیستم، تهران، نشر محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی
22. عبد الحمید عمر، احمد مختار، (1429 هـ ق)، معجم اللغة العربیة المعاصرة، چاپ اول، قاهره، عالم الکتب.
23. علی رمضانی، ناصر، میر سپاسی، ناصر، البرزی، محمود، نوابخش، مهرداد، (1387)، بررسی عوامل مؤثر بر ماندگاری نخبگان (نخبه داری) و کاهش فرار مغزها از کشور با کاربرد روش کیفی داده بنیاد، فصلنامه تغییرات اجتماعی - فرهنگی، دوره 4، شماره 3
24. غبار، میر غلام محمد، (1388)، افغانستان در مسیر تاریخ، پیشاور، دار السلام کتب خانه
25. غفاری نسب، اسفندیار، پویا، شریف، قاسمی نژاد، محمدعلی، مساوات، سیدابراهیم، (1397)، هویت قومی و هویت ملی در افغانستان: مورد مطالعه، دانشجویان تعلیم و تربیه کابل، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره 6، شماره 13
26. غلامی نیا، عبدالحمید، ملکوتیان، مصطفی، (1394)، چارچوب نظری گردش نخبگان سیاسی شایسته و تأثیر آن بر ثبات سیاسی، فصلنامه سیاست، دوره 45، شماره 1
27. کریمی، مرتضی، اسمعیل پورروشن، علی اصغر، دانیالی، تهمنه، (1402)، چالشها و فرصت های امارت اسلامی افغانستان در روابط با ایران، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال 13، شماره 1
28. کوزر، لوئیس، (1379)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، علمی و فرهنگی

29. کوئن، بروس، (1379)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمن
30. گروه تحقیق شورای متخصصان هرات، (1398)، قوم گرایی و توسعه سیاسی در افغانستان، افغانستان، ستاره نقره ای
31. محدثی، محمد جواد، (1393)، نقش نخبگان در روند شکل گیری پارلمان و حکومت داری افغانستان، فصلنامه علمی اندیشه خاتم، سال اول، شماره 1
32. مرسى، محمد عبدالعلیم، (2019م)، هجرة العلماء، المملكة العربية السعودية، جامعة الامام محمد بن سعود، ادارة الثقافة و النشر بالجامعة،
33. مولانا، حمید، (1381)، جامعه مدنی و جهانی سازی (جامعه مدنی جهانی؟)، نقد کتاب، شماره 24
34. نصر آبادی، علی باقی، (1384)، همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی، حصون، شماره 6
35. نقی زاده، رقیه، فیروز کوهی، مهدی، گلشنی، علیرضا، (1401)، نقش رهبری در همگرایی بین مردم و مسئولین در جمهوری اسلامی، دوره 9، شماره 32
36. نقیب زاده، احمد. (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت). چاپ اول.

37. <https://data.uis.unesco.org/>

38. UNESCO. (2010). Science Report: Investment in Research and Development. Retrieved from [UNESCO UIS](<https://data.uis.unesco.org/>).

39. Algérie-Eco. (2016). Algérie : la fuite des cerveaux a coûté 165 milliards \$ en 30 ans. Retrieved from [Algérie-Eco].